

عدالت ترمیمی به عنوان یکی از نظام های پاسخ غیر رسمی به جرم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

زهرا عامری برکی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد واحد الکترونیک

چکیده

از حدود سه دهه اخیر شیوه عدالت ترمیمی به عنوان راه حل منازعات ناشی از ارتکاب جرم و ترمیم صدمات و خسارات وارده بر بزه دیده، از جمله یکی از دستاوردهای بزه دیده شناسی و جنبش های اجتماعی در حوزه جرم شناسی پذیرفته شده است. مزیت این شیوه نسبت به شیوه های سنتی عدالت کیفری مانند "عدالت سزادهی" و "عدالت بازپروری" این است که "عدالت ترمیمی" تلاش می کند به ایجاد سازش و آشتی بین بزه دیده و خانواده او از یک طرف و بزه کار از طرف دیگر بپردازد و ضمن تامین حقوق بزه دیده، بین طرفین قضیه زمینه صلح پایدار را فراهم کند. از طرف دیگر عدالت کیفری اسلام، در حوزه جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، بیشتر به جبران خسارت وارده به بزه دیده و ایجاد صلح و سازش بین جانی و مجنی علیه و نیز خانواده دو طرف توجه کرده است. در قرآن مجید، سنت اسلامی و آراء اندیشمندان و فقهای اسلام، به صلح و سازش در این گونه موارد بسیار توصیه شده است، به نحوی که با گذشت شاکی خصوصی با وراثت مقتول، مجازات قصاص نفس یا عضو به پرداخت دیه که مقداری مال است، تبدیل می شود و جانی از آن قصاص نجات می یابد. در طول قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران، احکام و فتاوی فقهی در این بخش به صورت قوانین موضوعه از طرف نظام قانونگذاری درآمده و به مورد اجرا گذاشته شده و بر حسب تحولات اجتماعی و ظهور دیدگاه های نو و اجتهاد مستمر فقهی تحولات جدی در این زمینه ایجاد شده است. از آن جایی که نظام عدالت کیفری سنتی با محدودیت ها و تنگناهای عمده ای از جمله: فساد و عدم سلامت ارکان مختلف این نظام، عدم دسترسی کافی و برابر همه افراد به آن، دخالت مراجع سیاسی در اجرا و عدم اجرای عدالت کیفری، ناکارایی این نظام و عدم حمایت شایسته از بزه دیدگان و گروه های

آسیب پذیر در مقابل بزه رو به رو بوده و تقاضا برای اصلاح و تغییر آن را افزایش داده است.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، ارتکاب جرم، عدالت کیفری، بزه دیده، مجرم و بزهکار، عدالت کیفری، مجازات

مقدمه

«عدالت ترمیمی» (Restorative Justice) با مجموعه ای از اصول، مفاهیم و روش ها و همچنین با ارائه و تبیین متفاوت نقش ها، نیازها و مسئولیت های سهام داران اجرای عدالت در امور کیفری، به عنوان رقیب عدالت کیفری سنتی مطرح شده است. هوارد زهر (-H. Zehr ۱۹۹۰) این مفهوم را این گونه تعریف کرده است: «عدالت ترمیمی فرآیندی است برای درگیر کردن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند؛ تا آن جا که امکان پذیر است از طریق جمعی، نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان ها و تعهدات برای التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور اقدام کنند». عدالت ترمیمی دارای ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می کند. در واقع، عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن است. از طرفی، عدالت ترمیمی نوعی از عدالت مبتنی بر جبران است. به این معنا که در اجرای آن باید تلاش شود تا آثار وخامت بار جرم و ضرر و زیان ناشی از آن، خواه به صورت کامل یا به گونه ای نمادین ترمیم شود. تونی مارشال (-T. Marshall ۱۹۹۲) در این باره تأکید می کند که باید به بزهکار فرصتی برای ترمیم آنچه در نتیجه ارتکاب جرم از بین برده است داده شود تا در وهله اول نسبت به جبران زیان بزه دیده اقدام کند. صرف نظر از اینکه بزه ارتكابی چرا و چگونه به وقوع پیوسته است، وی استدلال می کند که در فرآیند اجرای عدالت کیفری، بیشترین تأکید باید بر جبران زیان از طرف بزهکار باشد. در این راستا صرف نظر از پرداخت خسارت، جبران ممکن است شامل مشارکت داوطلبانه بزهکار در مشاوره درمانی یا آموزش نیز بشود. بر این اساس، جبران ضرر و زیان کسانی که در نتیجه وقوع جرم متضرر شده اند موضوع اساسی عدالت ترمیمی بوده و هدف کلیه

فرآیندهای عدالت ترمیمی نیز بهبود و التیام بخشیدن به همین افراد و از جمله بزه دیده و حتی خود بزه‌کار است. البته مهم‌ترین هدف در این زمینه جبران زیان‌های بزه دیده توسط بزه کار است؛ اگرچه ترمیم آرامش و نظم اجتماعی مختل شده نیز هدف دیگری است (غلامی، ۱۳۸۵: ۹-۲). به اعتقاد مارتین رایت نیز، عدالت ترمیمی عدالتی است که تلاش می‌کند بین منافع بزه دیده و جامعه و نیاز به بازپذیری اجتماعی بزه‌کار توازن و تعادل ایجاد کند و می‌کوشد تا ترمیم و بهبود وضعیت بزه دیده را تا حد امکان عملی ساخته و در این مسیر تمام اشخاصی را که به نحوی در حادثه مجرمانه نفعی دارند مانند: بزه دیده، بزه‌کار، وابستگان آنها، نمایندگان جامعه و مقامات عدالت کیفری به مشارکت فعال و سازنده برای ایجاد چنین توازنی فرامی‌خواند. در مجموع می‌توان چنین گفت که این فرآیند که در ربع آخر قرن بیستم به عنوان بدل یا مکمل الگوهای کلاسیک عدالت کیفری پیشنهاد شده است، به جای تمرکز بر بزه که شاخص عدالت سزا دهنده است و یا بزه‌کار که عدالت بازپرورانه به آن نظر دارد، اساسی‌ترین رسالت خود را ترمیم ضرر و زیان بزه دیده و نیز جامعه به عنوان متأثر از جرم می‌داند (احمدی ندوشن، ۱۳۸۶: ۳۸ و ۳۷).

یکی از چارچوب‌های نظری عدالت ترمیمی، جرم زدایی است که در مقام محدود کردن قلمرو مداخله نظام عدالت کیفری و مشارکت دادن جامعه مدنی به شیوه‌های مختلف در قبال بزه‌کاری است (پرادل، ۱۳۸۱: ۵). عدالت ترمیمی دارای نکات ارزشمندی است و در آن، اصول و ارزش‌هایی مطرح می‌شوند که به نوبه خود مبنایی را معرفی می‌کنند که بر طبق آن و به کمک آن می‌توان اجرای عدالت و انجام قضاوت را به صورت شایسته‌ای انجام داد. به ویژه این روش، در مورد جرایم نوجوانان نظیر: خراب کاری، دیوار نویسی و سرقت که ضرورتاً خشونت بر علیه اشخاص صورت نگرفته است کارآیی بسیاری دارد (سوتیل و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۹۳ و ۱۹۲). همچنین عدالت ترمیمی دارای اصول مشخصی است. به نظر برخی نویسندگان این اصول عبارتند از: ۱) جرم تعدی و تجاوز نسبت به مردم و روابط میان فردی است. ۲) تعدی و تجاوز موجب تعهداتی می‌شود و ۳) اصلی‌ترین تعهد، اصلاح امور یعنی درست کردن آنچه که خراب شده است می‌باشد. به این ترتیب، برابر اصل اول، جرم ابتدا تعدی و تجاوز به روابط میان انسان‌ها و سپس تعدی به قانون است و بنابراین در ضمانت اجرا نیز این ترتیب باید در نظر گرفته شود. اصل دوم، زمینه مشارکت تمامی افرادی را که دارای حق، سهم و نفعی در یک جرم خاص هستند فراهم می‌کند و اصل سوم نیز منافع بزه دیده را در اولویت قرار داده و

اصلی ترین وظیفه بزهکار را جبران آثار زیان بار ناشی از جرم خود می داند (احمدی ندوشن، ۱۳۸۶: ۳۸).

بخش اول: ارکان عدالت ترمیمی

۱- عدالت ترمیمی بر ضرر و زیان تمرکز می کند، درک عدالت ترمیمی از جرم، قبل از هر چیز این است که جرم به افراد و اجتماعات لطمه می زند لذا پاسخ به جرم را باید بر صدمه ناشی از جرم و اقدامات مورد نیاز جهت ترمیم زیان وارده متمرکز کرد. سوال محوری در فرایند عدالت ترمیمی این است که بزه دیده به چه چیزی نیازمند است تا بهبود یابد و خود را باز یافته تا احساس آرامش و امنیت مجدد نماید.

۲- ارتکاب جرم یا ایراد صدمه، منجر به ایجاد تعهداتی می شود و بزهکار باید ۱- نسبت به بزه دیده و جامعه ای که از طریق ارتکاب فعل مجرمانه متضرر شده مسئول باشد ۲- اقداماتی جهت رفع ضرر و زیان وارده انجام دهد و ۳- در دسترس دادگاه و فرایندهای اصلاحی- تربیتی قرار گیرد تا آنها تعهدات بزهکار را به مرحله عمل درآورند.

۳- عدالت ترمیمی مشارکت و مداخله را ترویج می کند. مشارکت و مداخله بر این است که طرفین اصلی متأثر از جرم، یعنی بزهکاران، بزه دیدگان و اعضای جامعه محلی، نقش مهمی در فرایند اجرای عدالت دارند این سهامداران نیازمند آن هستند که اطلاعاتی در خصوص یکدیگر داشته و در تصمیم گیری راجع به آنچه که عدالت در یک مورد خاص، حکم می کند درگیر باشند.

بخش دوم: مقایسه عدالت ترمیمی و عدالت کیفری از جهت نگرش ها

عدالت کیفری: جرم، تجاوز و تعدی به قانون و دولت است؛

تعدی و تجاوز موجب مجرمیت است؛

عدالت مستلزم آنست که دولت سرزنش (مجرمیت) را تعیین نموده و مجازات را اعمال کند؛

تمرکز اصلی: بزهکاران آنچه را که استحقاق دارند [مجازات] دریافت کنند.

عدالت ترمیمی: جرم، تعدی و تجاوز به افراد و روابط است؛

تعدی و تجاوز موجب تعهداتی است؛

عدالت، بزه دیدگان و بزه کاران و اعضای جامعه محلی را درگیر تلاش برای اصلاح امور می کند؛

تمرکز اصلی: نیازهای بزه دیدگان و مسئولیت های بزه کاران جهت جبران زیان وارده.

هـ- اصطلاحات عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی رویکرد جامعی نسبت به منافع بزه دیده، بزه کار و جامعه است، این رویکرد جدید از عدالت کیفری تحت وصف و نام واحدی توصیف نمی شود و اطلاق یک عنوان برای تسمیه این جنبش نمی تواند مفاهیم و محدوده ها و افق های آن را به خوبی توصیف نماید اصطلاحات متعددی در سرتاسر جهان برای تبیین این رویکرد بکار می رود نظیر: عدالت محلی، عدالت غیررسمی، عدالت سبز، عدالت عقلانی، عدالت التیام دهنده، عدالت انسانی و مردمی، عدالت پویا و... ولی شایع ترین عنوان همان عدالت ترمیمی است. پیشگیری از جرم یکی از حوزه هایی است که عدالت ترمیمی با پرسش های بسیار مهمی در رابطه با آن روبه رو است. از جمله این که عدالت ترمیمی چه ابزارهایی را برای کاهش نرخ جرم در اختیار دارد؟ و یا اصولاً برنامه های عدالت ترمیمی می تواند از رشد نرخ بزه کاری پیشگیری کند یا خیر؟ پاسخ هایی که نظریه پردازان عدالت ترمیمی به این پرسش ها داده اند در دو رویکرد کلی جای می گیرد.

بند اول: رویکرد غیر مستقیم به پیشگیری از جرم:

پیروان این رویکرد بر این باور هستند که اساساً عدالت ترمیمی به منظور کاهش نرخ جرم برنامه ریزی نشده است. به گفته هوارد زهر: «... برنامه عدالت ترمیمی اغلب به عنوان روش هایی جهت کاهش نرخ تکرار جرم مورد ارزیابی قرار گرفته اند و در واقع دلایل خوبی برای اعتقاد به این امر وجود دارد که چنین برنامه هایی نرخ تکرار جرم را کاهش خواهند داد. به علاوه تا آن جا که تحقیقات نشان می دهند به خصوص در مورد کودکان بسیار تشویق کننده هستند. با این وجود کاهش نرخ تکرار جرم دلیل اجرای برنامه های عدالت ترمیمی نیست. تکرار جرم کمتر، یکی از نتایج جانبی برنامه های عدالت

ترمیمی است و عدالت ترمیمی از آن جهت اجرا می شود که... نیازهای بزه دیدگان باید مورد توجه قرار گیرد. بزهکاران باید تشویق شوند که مسئولیت پذیر باشند و آنانی که از ارتکاب جرم متضرر و متأثر شده اند باید در فرآیند رسیدگی به آنان مشارکت یابند. جدا از آن که بزهکاران دستگیر شده و نرخ بزهکاری آنان کاهش یابد یا نه».

بند دوم: رویکرد مستقیم به پیشگیری از جرم

پیروان این رویکرد معتقدند پیشگیری از جرم باید به طور مستقیم موضوع برنامه های عدالت ترمیمی باشد. جان بریث ویت (John Braith Waite) از جمله افرادی است که به این نگرش تمایل دارد. وی که نظریه «شرمساری بازگرداننده» را در عدالت ترمیمی مطرح کرده، معتقد است برنامه های عدالت ترمیمی باید به طور مستقیم بر مسئله پیشگیری از جرم متمرکز باشند و از این طریق محدودیت های دیگر روش های پیشگیری از جرم را برطرف سازند. واقعیت این است که بزهکاری نتیجه کنش ها و واکنش های عوامل و زمینه های گوناگون است و تنها یک عامل، علت اصلی وقوع جرم نیست. بنابراین نباید انتظار داشت که با یک یا چند ابزاری که عدالت ترمیمی در دست دارد بتوان علل بزهکاری را از بین برد. البته نظریه عدالت ترمیمی نیز ادعا نمی کند که به طور کلی مسئله جرم را در جامعه حل کرده، از وقوع احتمالی آن در آینده به طور قطع جلوگیری می کند؛ اما برنامه های عدالت ترمیمی در عمل نشان داده که با توسل به راه کارهایی چون: مسئولیت پذیری آگاهانه بزهکار، ترمیم شخصیت انسانی او، شرکت اختیاری افراد همراه با تضمین های حقوق بزه دیده و بزهکار در فرآیند میانجی گری و باز گرداندن موفقیت آمیز آنها به صحنه اجتماع به دور از معایب برچسب زنی، تا حدودی از احتمال بزهکاری مجدد کاسته است (بریث ویت، ۱۳۸۳: ۲۸۸-۲۸۶).

بخش سوم: اهداف و آرمان های عدالت ترمیمی

همان طور که به اختصار اشاره شد، عدالت ترمیمی چند هدف عمده را دنبال می کند که در این بخش از مقاله به این موارد می پردازیم.

بند اول: باز توانی بزه دیده

بزه دیدگان نیازمند جبران خسارات ناشی از ضرر و زیان حاصل از جرم هستند. با وجود این، بسیاری

از بزهکاران نوجوان و جوان قادر به تأمین منابع مالی کافی برای جبران ضرر و زیان وارده نیستند. بدیهی است در چنین فرضی، اجرای عدالت ترمیمی منوط به مشارکت جامعه یا دولت صرف نظر از تعقیب، دستگیری و محاکمه بزهکار، در جبران خسارت بزه دیده است و دولت نباید از مسئولیت تأمین و جبران زیان های بزه دیده شانه خالی کند.

بند دوم: باز توانی اجتماع

آرمان عدالت ترمیمی ارتقای نقش جامعه در جبران ضرر و زیان بزه دیده و بازپذیری بزهکار است. بسیاری از برنامه های عدالت ترمیمی بر نقش اجتماع در پاسخ به جرم و پیشگیری از آن تأکید می کنند. در این برنامه ها تأکید می شود که جامعه می تواند نسبت به جبران زیان بزه دیده ها و جذب مجدد بزهکاران اقدام کند. با وجود این، در همه جوامع مشارکت در برنامه های عدالت ترمیمی یکسان نیست و درجات مختلفی از فعالیت جوامع محلی قابل مشاهده است.

بند سوم: بازپذیری بزهکار

در توضیح این مفهوم باید خاطر نشان کرد که بسیاری از بزهکاران از حاشیه اجتماع بر می خیزند. البته حاشیه نشینی بزهکار لزوماً به این معنا نیست که وی در خارج از قلمرو جغرافیایی یک شهر یا جامعه مشخص زندگی می کند؛ بلکه ممکن است بزهکار در داخل شهر و جامعه زندگی کند، اما به لحاظ فرهنگی، دارای آداب و رسوم و عقایدی کاملاً حاشیه نشین باشد. او ممکن است زندگی در اجتماع را تجربه کند؛ اما نه به عنوان یک عضو مؤثر، فعال و مفید در جامعه؛ بلکه به عنوان عضوی بیگانه و حتی دشمن جامعه. در صورت وجود رابطه مخاصمه آمیز میان بزهکار و جامعه، بزهکار حق خود می داند که به هر صورت ممکن جامعه را در معرض مشکل و معضل قرار دهد. با وجود این، اگر پذیرفته شود که میان بزهکاری و بزه دیدگی تفاوت اندکی وجود دارد، بنابراین چنین می توان نتیجه گیری کرد که بسیاری از بزهکاران، خود از جمله قربانیان و بزه دیده هایی هستند که از انواع مزایای اجتماعی و انسانی مانند: داشتن والدینی مسئول یا برخورداری از آموزش و اشتغال محروم بوده اند. در چنین فرضی، تأکید عدالت ترمیمی بر ضرورت ایجاد احترام متقابل میان بزهکار و اجتماع، قابل توجیه است. به گونه ای که در فرآیند عدالت ترمیمی نه تنها بزهکار مسئولیت جبران زیان وارده را برعهده می گیرد، بلکه اجتماع نیز مسئولیت بازپذیری وی را عهده دار می شود (غلامی، ۱۳۸۵: ۹۰-۸۷).

بند چهارم: تشکیل گروه کاری حمایتی

یکی دیگر از اهداف عدالت ترمیمی تشکیل و ایجاد یک گروه یا یک اجتماع کاری است تا از بازپروری بزهکاران و بزه دیدگان و پیشگیری از بزهکاری حمایت کند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۲۰). عدالت ترمیمی، جنبشی نوین در حوزه جرم شناسی است از آنجا که جرم موجب جریحه دار شدن وجدان جامعه می شود سازمان عدالت را بر آن می دارد تا آسیب های به وجود آمده را ترمیم کند و طرفین نیز مجاز به مشارکت در این فرآیند خواهند بود. عدالت ترمیمی، جنبشی نوین در حوزه جرم شناسی است. از آنجا که جرم موجب جریحه دار شدن وجدان جامعه می شود سازمان عدالت را بر آن می دارد تا آسیب های به وجود آمده را ترمیم کند و طرفین نیز مجاز به مشارکت در این فرآیند خواهند بود. بنابراین برنامه های عدالت ترمیمی، بزه دیده، بزهکار و دیگرانی که به نحوی تحت تاثیر جرم واقع شده اند را قادر می سازد که در مقابله با جرم دخالت مستقیم داشته باشند. افراد یاد شده در مرکز فرآیند عدالت کیفری قرار می گیرند. دولت و حقوقدانان نیز تبدیل به تسهیل کنندگان سیستمی می شوند که هدف آن پاسخگویی بزهکار، بازسازی آسیب های وارد شده به بزه دیده و همیاری کامل بزه دیده، بزهکار و جامعه است. در واقع فرآیند دخالت تمام طرفین، شرط بنیادین دستیابی به برون داد اصلاح و آرامش است. تعریفی از عدالت ترمیمی که به طور فزاینده در گفتمان بین المللی به کار برده می شود بر فرآیند و برون داد به نحو توانمند تاکید دارد:

عدالت ترمیمی فرآیندی است که به موجب آن، طرفین در خصوص چگونگی رسیدگی به پیامد های جرمی معین، تصمیم گیری می کنند. عدالت ترمیمی از جهات متعددی با عدالت کیفری معاصر تفاوت دارد، نخست آنکه نگرش فراگیر تری به اعمال مجرمانه دارد، بیش از آنکه جرم را صرفاً عملی قانون شکنانه تلقی کند، به این موضوع می پردازد که بزهکاران به بزه دیدگان، جامعه و حتی خودشان لطمه می زنند. دوم آنکه افراد بیشتری را در فرآیند مقابله با جرم دخالت می دهد، علاوه بر بزهکار و دولت، بزه دیدگان و افراد جامعه نیز به همان میزان در جریان قرار می گیرند. در نهایت این سیستم، موفقیت را نیز به گونه ای دیگر ارزیابی می کند، بیش از اینکه به میزان مجازات تحمیل شده توجه کند، میزان آسیب های جبران شده و یا پیشگیری شده را می سنجد.

بخش چهارم: بزه دیده، بزهکار و گردهمایی های جامعه

دیدار های میان بزه دیدگان، بزهکاران و اعضای متاثر اجتماع، روشی قابل توجه برای نشان دادن جنبه ارتباطی جرم و عدالت است. روش های سه گانه ای که در پی می آید به عنوان معیار های اساسی عدالت ترمیمی پذیرفته شده اند. هر کدام از آنها می تواند محدود به هر یک از طرفینی باشد که به طور داوطلبانه شرکت می جوید.

۱- میانجیگری: این روش برای بزه دیده ذی نفع فرصتی را فراهم می سازد که بزهکار خود را در شرایطی سالم ملاقات کند و با کمک یک میانجی آموزش دیده، به بحث درباره جرم پردازد.

روش میانجیگری اهداف ذیل را شامل می شود:

(الف) بزه دیده اجازه می یابد با بزهکار در زمینه ای داوطلبانه دیدار کند.

(ب) بزهکار تشویق می شود که به مسئولیت ناشی از جرم و وارد ساختن آسیب واقف آید.

(ج) فرصتی فراهم می آید که بزه دیده و بزهکار به برنامه ریزی برای جبران خسارت پردازند.

بیش از ۳۰۰ برنامه میانجیگری در آمریکای شمالی و در حدود ۵۰۰ برنامه در اروپا اجرا می شود. تحقیقات نشان داده اند که چنین برنامه هایی بیشترین میزان رضایت میان بزه دیده و بزهکار را ایجاد می کنند. داوطلبانه بودن این برنامه ها باعث ترس کمتر در بزه دیده و تمایل بزهکار به جبران کامل خسارت می شود. همچنین این بزهکاران، کمتر از آنهایی که به جرم شان در دادگاه عادی رسیدگی شده است، مرتکب جرایم جدید می شوند.

۲- گردهمایی گروه جامعه یا خانواده: این روش، بزه دیده، بزهکار و خانواده و دوستان طرفین را گرد هم می آورد تا در مورد جبران عواقب جرم تصمیم بگیرند. اهداف برگزاری گردهمایی ها عبارتند از: (الف) فراهم ساختن فرصتی برای بزه دیده جهت دخالت مستقیم در جریان مقابله با جرم.

(ب) افزایش آگاهی مجرم در مورد تاثیر رفتار مجرمانه او و احساس مسئولیت در قبال آن.

(ج) متعهد ساختن سیستم حمایت از بزهکار برای اصلاح رفتار او.

(د) اجازه دادن به بزده دیده و بزهارکار برای برخورداری از حمایت جامعه.

روش گردهمایی از مناسبات سنتی قبیله مائوری در زلاندنو اخذ شده که خارج از نهاد های رسمی خدمات اجتماعی شکل گرفته و پیش از آن نیز توسط پلیس استرالیا مورد استفاده قرار می گرفته است و اکنون در آمریکای شمالی، اروپا و آفریقای جنوبی نیز رایج است. از این روش بیشتر برای بزهارکاران نوجوان و جوان استفاده می شود. (بیشترین پرونده های مربوط به بزهارکاری اطفال و نوجوانان در زلاندنو با روش گردهمایی مرتفع می شوند.

۳- مصالحه یا دایره های صدور احکام: این روش برای ارتقای توافق و رضایت عام میان اعضای اجتماع، بزده دیدگان، بزهارکاران، حامیان طرفین، قضات، دادستان، گروه وکلا و پلیس طراحی شده و مبتنی است بر صدور حکم مناسب که به تمام نگرانی ها و مطالبات طرفین ذی نفع توجه داشته باشد.

دوایر اهداف ذیل را دنبال می کنند:

الف) التیام بخشیدن به کسانی که به نوعی متاثر شده اند.

ب) ایجاد امکان اصلاح در بزهارکار.

ج) سهیم ساختن بزده دیده، بزهارکار، خانواده ها و اجتماع در یافتن راه حل سودمند. (د) یافتن و شناسایی دلایل نهفته رفتار مجرمانه. ه- ایجاد یک احساس جمعی پیرامون ارزش های اجتماع.

روش تشکیل دوایر از سنن بومیان آمریکایی گرفته شده و در آمریکای شمالی به کار می رود.

بخش پنجم: ترمیم آسیب حاصله از جرم

هر یک از فرآیند های یاد شده با موافقتنامه ای در خصوص چگونگی جبران خسارت از سوی بزهارکار به پایان می رسند. دو ضمانت اجرای کیفری سنتی در مقابله ترمیمی با جرم مورد استفاده قرار می گیرد: جبران زیان وارد آمده و خدمات عام المنفعه. جبران زیان وارد آمده مبلغی است که بزهارکار بابت زیان های مالی ناشی از جرم به بزده دیده پرداخت می کند. این عمل در یک دورنمای احیاگر به عنوان روشی برای پاسخگو نگه داشتن مجرمان به خاطر اعمال خلاف شان انجام می گیرد و نیز به مثابه

راهکاری برای ترمیم آسیب های وارد آمده به بزه دیده به شمار می رود. جبران ضرر و زیان می تواند در هر کدام از روش های سه گانه یاد شده (میانجیگری، گردهمایی و دواير) اتخاذ شده و یا با رای قاضی به مرحله اجرا درآید. به عبارت دیگر هم از روش قانونی و هم از روش عرفی می توان استفاده کرد. مطالعات نشان داده اند که این شیوه رضایت بزه دیده از دستگاه عدالت را افزایش می دهد. براساس برخی مطالعات، استفاده از این روش، منجر به کاهش تکرار جرم می شود. مطالعات دیگری هم نشان می دهند که هرگاه جبران خسارت در فرآیند میانجیگری معین شود، احتمال پرداخت کامل آن بیشتر از زمانی است که این تصمیم صرفاً ناشی از حکم دادگاه باشد.

خدمات عام المنفعه، فعالیتی است که توسط بزهکار در راستای منافع جامعه صورت می گیرد. چشم انداز ترمیمی، روشی است برای جبران آسیبی که به واسطه وقوع جرم پدید آمده و توسط جامعه تحمل و تجربه شده است و به نحو مقتضی می تواند به جای تدابیر کیفری یا روش های بازپروری و اصلاح مجرم به کار گرفته شود. آنچه کاربرد این روش را به عنوان پاسخی ترمیمی متمایز می کند، توجه و اهمیتی است که به آسیب وارد آمده بر اجتماع در اثر فعل مجرمانه داده می شود و نیز تلاش برای تضمین این امر که آسیب یاد شده با خدمات عام المنفعه ترمیم می شود. برای مثال افرادی را که به جرم دیوارنویسی در محله ای دستگیر شده اند، می توان وا داشت که نوشته ها را پاک کرده و دیوار ها را به حال اول بازگردانند.

برنامه های خدمات عام المنفعه در آفریقا برپایه روش های عرفی بنا نهاده شده اند تا فرآیند اجتماعی شدن و بازپروری بزهکار تسهیل شود.

بخش ششم: جایگاه کنونی عدالت ترمیمی در جهان و جمع بندی بحث

با آنکه از عمر عدالت ترمیمی چیزی کمتر از ۲۰ سال می گذرد، ولی نفوذ آن با سرعت قابل توجهی در سراسر جهان در حال گسترش است. بر این اساس می توانیم روند توسعه بین المللی در این زمینه را در دو بخش اساسی ردیابی کنیم:

نخست، فعالیت های نوآورانه توسط کشورها در به کارگیری عدالت ترمیمی و دوم، تلفیق اندیشه های ترمیمی در نظام های حقوقی کشورهای مختلف.

۱- نوآوری ها: آنچه در پی می آید، نمونه هایی از فعالیت های ابداعی در زمینه اجرای عدالت ترمیمی است.

۱-۱ راهکارهای بومی یا عرفی برای استفاده در سیستم عدالت کیفری از جمله گردهمایی ها و تشکیل دوایر، کارآمد بوده است.

۱-۲- رودرویی بزه دیده و بزهکار در زندان ها نیز در اروپا و آمریکای شمالی اجرا می شود. در برخی موارد این امر مستلزم آن است که بزه دیدگان با بزهکاران خود در یک محیط میانجیگری فراتر از دادگاه ملاقات کنند. این روش حتی در بند اعدامی های زندان تگزاس انجام می شود. در موارد دیگر دیدارها مستلزم حضور گروه هایی از بزه دیدگان و بزهکاران نامرتبط با یکدیگر است. این نوع مواجهه ناگهانی ممکن است به دلیل ناشناخته بودن و یا دست نیافتنی بودن بزه دیدگان یا بزهکار صورت گیرد و یا به عنوان گام مقدماتی برای دیدار بزه دیدگان یا بزهکاران واقعی باشد.

۱-۳- گروهی از دوایر پشتیبانی در کانادا با مرتکبان جرایم جنسی (عمدتاً تجاوز به کودکان) کار می کنند که در نتیجه حکم دادگاه به اجتماعات هولناک فرستاده شده اند. این برنامه با مراقبت منظم از بزهکار و تضمین آنکه منابع اجتماعی مورد نیاز او در دسترس است، باعث افزایش سلامتی عمومی می شود. در این شیوه سلامتی بزهکار نیز به گونه ای تضمین می شود. این امر با برگزاری تریبون آزاد برای اعضای جامعه صورت می گیرد تا نگرانی هایشان را ابراز کنند و در موارد ضروری با مداخله اعضای جامعه و یا همکاری با پلیس و دیگر نیروهای انتظامی برای فراهم آوردن حمایت ها و خدمات مورد نیاز صورت می پذیرد.

۱-۴- رژیم های زندان منحصر به فرد در آمریکای لاتین و نقاط دیگری که در آنها زندانیان به طور داوطلبانه حاضر به سکونت در آنها و استفاده از امکاناتشان می شوند توسعه یافته اند. این رژیم ها خلیات معنوی و فرهنگی خاصی را شکل می دهند که نیازمند یادگیری و برگزاری دوره های کارآموزی است.

۱-۵- دیدارهای بزه دیده، بزهکار و جامعه در فازهای متعددی از فرآیند عدالت کیفری انجام می پذیرند. این برنامه ها توسط رئیس نیروی پلیس یا ماموران آزادی مشروط در کانادا اجرا می شوند.

۱-۶- از راهکارهای ترمیمی برای نشان دادن تعارض میان شهروندان و دولت نیز استفاده می شود. برای مثال می توان به کمیسیون دوستی و آشتی ملی در آفریقای جنوبی و کمیسیون معاهده ویتانگی در زلاندنو اشاره کرد.

۲- تلفیق ها: همچنین علائمی وجود دارد که نشان دهنده پیوستن رویکردهای ترمیمی به روند کلی عدالت در جهان است.

۲-۱- اعمال روش های قانونی از سویی عوامل بازدارنده حقوقی و یا سیستماتیک را در استفاده از برنامه های ترمیمی کاهش و الزامات قانونی در برنامه های ترمیمی را افزایش داده است. این روش همچنین برنامه های ترمیمی را در جهت درست راهنمایی کرده و در راستای حفظ حقوق بزه دیده و بزهکار انجام پذیرفته است.

۲-۲- تامین هزینه ها و اختصاص نیروی کار برای اجرای برنامه ها نیز نیافته است. برای مثال بلژیک با تنظیم یک برنامه جهانی برای مبارزه با بیکاری و تغییرات معین در جنبه های گوناگون عدالت کیفری از این راهکار بهره می برد. این روش مبتنی است بر پیش بینی تحریم های کیفری معین و سنجش نوعی از میانجیگری پلیسی.

۲-۳- برنامه هایی به موازات قضاوت اصول ترمیمی در چارچوب سیستمیک را شامل می شود. این روش در سطح دولت و ایالت و در برخی کشورها در سطح ملی اجرا شده است. هدف از این کار مشارکت کارشناسان عدالت جنایی و اعضای جامعه در فرآیندی است که به برنامه ای برای اجرا و توسعه رویکردهای ترمیمی ره ببرد.

۲-۴- تعداد برنامه های ترمیمی نیز در حال افزایش است. بیش از ۵۰۰ برنامه و پروژه میانجیگری در اروپا و بیش از ۳۰۰ برنامه در آمریکا و نیز در حدود ۱۰۰ پروژه در کانادا در حال اجرا است.

۲-۵- هیأت های میان دولتی روند اجرای عدالت ترمیمی را گزارش می دهند. در سال ۱۹۹۹ کمیته وزرای سازمان شورای اروپا توصیه نامه ای را برای استفاده از روش میانجیگری در پرونده های کیفری تنظیم کرد. کتابچه سازمان ملل متحد درباره عدالت برای بزه دیدگان نیز اشاره می کند که در چارچوب عدالت ترمیمی بزهکار به بزه دیده و بقیه جامعه در تلاش برای پدید آوردن رویکردی

متعادل که معطوف به بزه‌کار و در عین حال متمرکز بر بزه دیده باشد، مشارکت کنند. به هر رو، جبران خسارت بزه دیده، به نقش کلیدی عدالت ترمیمی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته تبدیل شده است.

منابع و مآخذ

الف) کتب

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی - جلد دوم، نشر میزان، چاپ ششم، سال ۱۳۹۰.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳) چاپ سوم، نشر میزان، نشر دادگستر، زمستان ۱۳۹۱
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، دفتر نشر داد ۱۳۹۲
- شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات پاژنگ، تابستان ۱۳۹۱
- نور بها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر داد آفرین، چاپ گنج دانش ۱۳۹۲
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، سال ۱۳۸۹
- دانش، تاج زمان، مجرم کیست؟، جرم شناسی چیست؟ چاپ اول، انتشارات کیهان، پائیز سال ۱۳۸۹
- شامیاتی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات گنج دانش، تهران، سال ۱۳۸۷
- اردبیلی، محمد علی، ترجمه کتاب جرائم و مجازات ها، چاپ سوم، نشر میزان، سال ۱۳۸۰
- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد چهارم، چاپ اول، انتشارات اشراق، شهریور سال ۱۳۷۹
- کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، زمستان سال ۱۳۷۶
- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات سمت، زمستان سال ۱۳۷۸
- نجفی توانا، علی، جرم شناسی، نشر خیام، چاپ اول.
- کیفر شناسی، برنادبولک، ترجمه علی حسین نجفی، چاپ دوم، مهر ماه سال ۷۷.
- ساکت، محمد حسین، نهاد دادرسی در اسلام، آستان قدس رضوی.
- صلاحی، جاوید، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، گوتنبرگ.
- فیض، علیرضا، (۱۳۷۰) مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- نجفی ابراند آبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی، دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، نیم سال اول تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷.
- اردبیلی، محمد علی، پیشگیری از اعتیاد، مجموعه مقالات همایش بین المللی علمی کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، روزنامه رسمی ایران، چاپ اول.
- اسحاقی، محمد، (۱۳۸۲) رویکرکردی استراتژیک به پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات) مرکز مطبوعات و انتشارات معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرایم قوه قضائیه، چاپ اول، تهران.
- توجهی، عبدالعلی، (۱۳۷۷) جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران، رساله ی و حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- گن، ریموند، (۱۳۷۰) جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، تهران، علامه طباطبائی، چاپ اول، تهران.
- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان.
- جوانمرد، بهروز، سیاست کیفری سخت گرانه در قبال جرایم خرد، چاپ اول، تهران، میزان.
- شیر، عباس، (۱۳۸۷) پیشگیری از نظریه و مدل پلیس و پیشگیری از جرم، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران.
- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، پائیز ۱۳۷۵.

ب) مجلات و نشریات

- فیروزی، شیدا، مجله اصلاح و تربیت، جرم زدائی، شماره ۵۷.
- ترجمه روح الدین کرد علی وند، چرا میزان جرائم در فرانسه در دهه ۱۹۸۰ کاهش یافته است؟، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۱، پائیز ۱۳۷۶.
- رضائی، حسن، نظریه مجازات در حقوق کیفری اسلامی، مجله حقوق دادگستری، شماره ۲۳، تابستان سال ۱۳۷۷.
- نصیری، محسن، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۳۸.
- نشریه حمایت شماره ۲۱، مورخه ۱۳۸۰/۰۶/۰۵، گردهمائی رؤسای ادارات مراقبت بعد از خروج

زندانیان.

- صفاری، علی، (۱۳۸۰) مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴-۳۳، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق شماره ۳۶-۳۵.
- صفاری، علی، (۱۳۸۱) انتقادات وارده بر پیشگیری وصفی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، شماره ۳۶-۳۵.
- محمودی جاتکی، فیروز، قورچی بیگی، (۱۳۸۸) نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲.

